



## Passivization of Morphological Causatives in Azeri (*Serish Abad, Ghorveh*): Severing the External Argument from the Causative Verb

Morteza Mollavali<sup>1</sup>, Yadgar Karimi<sup>2</sup>, Gholamhossein Karimi Doostan<sup>3</sup>, Vahid Gholami<sup>4</sup>,  
Adel Dastgoshadeh<sup>5</sup>

1. Ph.D. Candidate of Linguistics, Department of English Language & Literature, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. E-mail: m.mollavali@iausdj.ac.ir
2. Corresponding Author, Associate Professor of Linguistics, Department of English & Linguistics, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: y.karimi@uok.ac.ir
3. Professor of Linguistics, Department of Linguistics, University of Tehran, Tehran, Iran; E-mail: gh5karimi@ut.ac.ir
4. Assistant Professor of English Literature, Department of English Language & Literature, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. E-mail: vahidgholami@iausdj.ac.ir
5. Assistant Professor of Applied Linguistics, Department of English Language & Literature, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. E-mail: adastgoshadeh@iausdj.ac.ir

---

### Article Info

### ABSTRACT

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 08 September 2021

**Received in revised form:**  
24 July 2022

**Accepted:** 29 July 2022

**Available online:** 23  
September 2022

#### Keywords:

Azeri,  
event structure,  
external argument,  
passive voice,  
causative construction.

Two approaches can be identified to how external arguments are introduced to the event structure of verbal predicates. One approach takes the causative/little verb as the functional head introducing the external argument to the structure. Another approach assumes that the external argument is severed from the verb phase and introduced by a voice head to the structure. In this paper, it is argued that the voice head is involved in introducing the external argument to the structure. The evidence corroborating the proposed analysis is adduced from the interaction of morphological causatives and passivization in Azeri, spoken in *Serish Abad, Ghorveh*. The causative verb in Azeri is derived from the anti-causative counterpart through the addition of a causative morpheme. A closer inspection of data shows that the derived causative verb can appear in the passive construction. The fact that the external argument is suppressed in the passive construction and that the causative verb retains its causative morpheme provides evidence that the causative morpheme ( $v^o$ ) is not responsible for introducing the external argument. The correlation of the passive morphology and the external argument suppression fits squarely within the approach taking voice to be licensing the external argument.

---

**Cite this article:** Mollavali, M., Karimi, Y., Karimi Doostan, Gh., Gholami, V. & Dastgoshadeh, A. (2021). Passivization of Morphological Causatives in Azeri (*Serish Abad, Ghorveh*): Severing the External Argument from the Causative Verb. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (3), 109-126.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6914.1583

---



## مجهول‌سازی محمول‌های سببی ساختواژی در ترکی آذری (گونه سریش‌آباد قروه): انفصال مسبب از رویداد سبب

مرتضی ملاولی<sup>۱</sup>، یادگار کریمی<sup>۲</sup>، غلامحسین کریمی‌دوستان<sup>۳</sup>، وحید غلامی<sup>۴</sup>، عادل دستگشاده<sup>۵</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران. رایانامه: [m.mollavali@iausdj.ac.ir](mailto:m.mollavali@iausdj.ac.ir)
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: [y.karimi@uok.ac.ir](mailto:y.karimi@uok.ac.ir)
۳. استاد گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [gh5karimi@ut.ac.ir](mailto:gh5karimi@ut.ac.ir)
۴. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران. رایانامه: [vahidgholami@iausdj.ac.ir](mailto:vahidgholami@iausdj.ac.ir)
۵. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران. رایانامه: [adastgoshadeh@iausdj.ac.ir](mailto:adastgoshadeh@iausdj.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ تاریخ بازنگری: ۲ مرداد ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۷ مرداد ۱۴۰۱ دسترسی آنلاین: ۱ مهر ۱۴۰۱ واژه‌های کلیدی: ترکی آذری، ساختار رویدادی، ساخت سببی، جهت مجهول، موضوع بیرونی.	یکی از مباحث نظری مورد مناقشه درخصوص ساختار رویدادی محمول‌های فعلی، تعلق یا عدم تعلق موضوع بیرونی به ساختار رویدادی محمول است. به‌طور مشخص، پرسش پژوهش حاضر این است که آیا موضوع بیرونی یک محمول فعلی به‌وسیله آن فعل به ساختار رویدادی معرفی می‌شود یا اینکه موضوع بیرونی از ساختار رویدادی فعل جدا است و با هسته‌ای دیگر به ساختار رویدادی ملحق می‌شود. به‌منظور تعیین جایگاه ادغام موضوع بیرونی و ماهیت هسته معرف آن، ساخت‌های سببی ساختواژی و تعامل آن‌ها با ساخت مجهول در زبان ترکی آذری شهر سریش‌آباد بررسی شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که فعل‌های سببی ساختواژی که حاصل افزوده‌شدن وند سببی به‌صورت ضد سببی هستند، می‌توانند در ساختار مجهول شرکت کنند. صورت فعل سببی در ساخت مجهول نشان می‌دهد که وند سببی‌ساز و وند جهت (مجهول‌ساز) هردو به‌صورت هم‌زمان روی فعل ظاهر می‌شوند. تحلیل داده‌های آذری که مبتنی بر مجهول‌سازی فعل‌های سببی شرکت‌کننده در تناوب سببی است، به‌روشنی نشان می‌دهد که در بازنمایی ساختار رویدادی، هسته‌های سبب و جهت از هم مستقل و منفک هستند؛ و اینکه معرف موضوع بیرونی به ساختار رویدادی، هسته جهت است.

استناد: ملاولی، مرتضی؛ کریمی، یادگار؛ کریمی‌دوستان، غلامحسین؛ غلامی، وحید؛ دستگشاده، عادل (۱۴۰۱). مجهول‌سازی محمول‌های سببی ساختواژی در ترکی آذری (گونه سریش‌آباد قروه): انفصال مسبب از رویداد سبب: تحلیلی در بهینگی متوالی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۳)، ۱۰۹-۱۲۶.



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

## ۱. مقدمه

دو رویکرد عمده زایشی درخصوص موضوع بیرونی و جایگاه ادغام آن، باهم در رقابت هستند. در یک سو لارسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، چامسکی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸ و ۱۹۹۵)، هیل و کایسر<sup>۳</sup> (۲۰۰۲ و ۱۹۹۳) و مارانتز<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) بر این باور هستند که موضوع بیرونی در گزاره‌های دوظرفیتی و پادگنایی<sup>۵</sup> به وسیله هسته فعلی سببی<sup>۶</sup> به اشتقاق نحوی معرفی می‌شود. در این رویکرد، هسته فعلی پوسته‌ای نقشی دوگانه برعهده دارد.

از منظر معنایی، هسته گروه فعلی پوسته‌ای به مثابه محمول بنیادین «سببی ساز» مسئول معرفی موضوع بیرونی به ساختار رویداد است. از نظر نحوی و به طور مشخص محاسبات مطابقه/حالت، هسته فعل پوسته‌ای وظیفه اعطای حالت مفعولی مفعول را برعهده دارد. طرفداران این رویکرد معتقدند که قائل شدن به این هسته فعلی با کارکرد دوگانه، تبیینی طبیعی از تعمیم بورزیو به دست می‌دهد. براساس این تعمیم (بورتسیو<sup>۷</sup>، ۱۹۸۶) بین حضور موضوع بیرونی و قابلیت اعطای حالت مفعولی به مفعول همبستگی وجود دارد. در این رویکرد، معرفی موضوع بیرونی و اعطای/بازبینی حالت مفعولی هر دو به وسیله یک هسته انجام می‌پذیرد؛ بنابراین حضور یا عدم حضور این هسته در اشتقاق نحوی تبعات هم‌زمان برای موضوع بیرونی و حالت مفعولی خواهد داشت.

در سوی دیگر، زبان‌شناسانی همچون کرتزر<sup>۸</sup> (۱۹۹۶)، پولکانن<sup>۹</sup> (۲۰۰۲ و ۲۰۰۸)، کالینز<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵)، کوورو<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) و هارلی<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۳) بر این باور هستند که موضوع بیرونی به وسیله هسته جهت<sup>۱۳</sup> که خود گروه فعلی هسته‌ای یا پوسته‌ای را به منزله متمم برمی‌گزیند، به اشتقاق معرفی می‌شود. در جزئیات این رویکرد به معرفی موضوع بیرونی، تنوع‌های نظری به چشم می‌خورد. کرتزر (۱۹۹۶) که برای

1. R. Larson
2. N. Chomsky
3. K. Hale & S. J. Keyser
4. A. Marantz
5. unergative

۶. خاطر نشان می‌شود که در آثار زایشی، گاه از اصطلاح‌های بیرونی و پوسته‌ای به جای سببی در اشاره به گروه/ هسته فعل سببی استفاده می‌شود.

7. L. Burzio
8. A. Kratzer
9. L. Pylkkänen
10. C. Collins,
11. M., C. Cuervo
12. H. Harley
13. voice

نخستین بار فرضیه معرفتی موضوع بیرونی در خارج از گروه فعلی به وسیله هسته جهت را مطرح کرد، هسته جهت را هسته‌ای نقشی در لایه فوقانی اشتقاق نحوی می‌پندارد که گروه فعلی (هسته‌ای) را در جایگاه متمم خود می‌پذیرد؛ به عبارت دیگر، براساس کرتزر، اسکلت نحوی بند شامل دو لایه گروه فعلی و گروه جهت است. کرتزر به لایه گروه فعلی دومی با عنوان سببی قائل نیست.

در حالی که پولکانن (۲۰۰۸)، هارلی (۲۰۱۳) (و دیگر آثار متأخر پیرو کرتزر (۱۹۹۶)) به اشتقاق گروه فعلی پوسته‌ای در جایگاه متمم گروه جهت قائل هستند؛ به بیان دیگر، در انگاره‌های جدیدتر این رویکرد به ساختار رویدادی، بر حضور هم‌زمان هسته فعل پوسته‌ای/سببی و هسته جهت تأکید می‌شود. شایان ذکر است که این رویکرد در مقابل رویکردی قرار دارد که براساس آن، ساختار رویدادی بند در نحو تنها شامل دو لایه فعل هسته‌ای و پوسته‌ای است (چامسکی، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱)

در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود ماهیت جایگاه ادغام موضوع بیرونی و هسته معرف آن به ساختار رویدادی محمول‌های فعلی مشخص شود. برای دستیابی به این هدف، ساخت‌های سببی، ضد سببی و مجهول در زبان ترکی آذری سریش‌آباد<sup>۱</sup> بررسی خواهند شد. اهمیت تجربی و نظری پژوهش درخصوص ساختار موضوعی زبان ترکی آذری سریش‌آباد به منزله یک زبان پیوندی در این است که این زبان با به‌کارگیری وندهای اشتقاقی متمایز که ناظر بر تناوب‌های ساختار موضوعی محمول‌های فعلی است، گزارشی دقیق‌تر از چگونگی بازنمایی ساختار موضوعی این تناوب‌ها را به نمایش می‌گذارد. بررسی ساختار رویدادی زبان آذری و تعیین معرف موضوع بیرونی از دو جنبه درون‌زبانی و بین‌زبانی مهم است. نخست اینکه با دستیابی به تحلیلی منطقی و مبتنی بر شواهد متقن زبانی درخصوص موضوع بیرونی در زبان آذری، نمای بهتری از ساختار رویدادی و چارچوب ساختاری بند در زبان آذری نمایان می‌شود.

ازلحاظ نظری، پرداختن به ماهیت معرف موضوع بیرونی در آذری از آن جهت مهم است که زبان ترکی آذری با عضویت در شاخه زبان‌های تورکی و داشتن ماهیت (نسبتاً) پیوندی آن می‌تواند نمایی عینی و تجربی از ماهیت هسته‌های معرف موضوع‌ها و چگونگی چینش آن‌ها به دست دهد. تحلیل داده‌های زبان آذری که مبتنی بر مجهول‌سازی فعل‌های سببی شرکت‌کننده در تناوب سببی است، به‌روشنی نشان می‌دهد که در بازنمایی ساخت رویدادی، هسته‌های سبب (فعل پوسته‌ای) و جهت از هم

۱. این شهر در هشت کیلومتری قروه و در مسیر جاده قروه به بیجار قرار دارد. همه ساکنان شهر به زبان ترکی آذری سخن می‌گویند. از این پس از در نوشتار پیش رواج عبارت ترکی آذری یا آذری در اشاره به این گونه زبانی استفاده می‌شود.

مستقل و جدا هستند و اینکه حضور موضوع بیرونی مستقل از حضور هسته سبب است. در ادامه این مبحث، در بخش (۲) به ارائه توصیفی از ویژگی‌ها و مختصات دستوری و ساخت‌واژی این گونه زبانی پرداخته می‌شود؛ سپس به مروری مختصر از پیشینه پژوهشی در خصوص ساختمان گروه فعلی ترکی آذری پرداخته می‌شود. در بخش (۳) تناوب سببی و چگونگی اشتقاق فعل‌های سببی ساخت‌واژی در ترکی آذری بررسی می‌شوند. بخش (۴) به تشریح تعامل فعل‌های سببی ساخت‌واژی و فرایند مجهول‌سازی در این زبان می‌پردازد؛ به گونه‌ای که تبعات نظری این تعامل در چارچوبی گسترده‌تر نمایان گردد. در پایان در بخش (۵) جمع‌بندی مطالب و نتایج تحلیل ارائه خواهد شد.

## ۲- ویژگی‌های نحوی - صرفی ترکی آذری و مروری بر پژوهش‌های پیشین

در این بخش، تصویری کلی از ساختمان دستوری ترکی آذری با تأکید بر جنبه‌های نحوی و ساخت‌واژی آن ارائه می‌گردد. اگرچه ویژگی‌های مورد اشاره به‌الزام ارتباط علی با ساخت‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر را ندارند؛ ولی معرفی مختصات توصیفی این زبان می‌تواند در ایجاد نمایی کلی از ساختمان دستوری این گونه زبانی در ذهن مخاطبان مثمر ثمر باشد.

به‌طور مشخص، در توصیف پیش رو، الگوی حالت و مطابقه در درون بند، مطابقه مالک<sup>۱</sup> و مملوک<sup>۲</sup> در گروه اسمی و قلب نحوی مفعول‌های مستقیم و غیر مستقیم در این زبان بحث می‌شود؛ سپس به اختصار مروری بر مطالعات پیشین در خصوص ساختمان گروه فعلی در ترکی آذری ارائه خواهد شد.

### ۲-۱- حالت و مطابقه درون بند

اصطلاح سنتی «مطابقه فعل با فاعل» به همبستگی شناسه‌های تصریفی فعل با شخص و شمار فاعل در درون بند خود ایستا اشاره دارد. در سوی دیگر، مطابقه فعلی و حضور حالت‌نما (فاعلی) بر روی فاعل هم‌پراشی<sup>۳</sup> دارند. ترکی آذری، با رده (نسبتاً) پیوندی، درزمره زبان‌هایی قرار می‌گیرد که هم‌پراشی مطابقه و حالت در آن‌ها نمود آوایی مشهودی دارد. نمونه‌های (۱) تا (۳) همبستگی مطابقه‌نمایی روی فعل و حالت‌نمایی روی فاعل را به‌خوبی نشان می‌دهند:

1. Possesum
2. Possessor
3. covaration

۴. علائم اختصاری به‌کاررفته در معادل‌نگاری داده‌ها و نمودارها به این شرح است: (۱) اول‌شخص؛ (۲) دوم‌شخص؛ (۳) سوم‌شخص؛ ف: فعل؛ ح: حالت‌نما؛ گ: گروه؛ م: مفرد؛ ج: جمع؛ مف: مفعولی؛ مل: ملکی؛ مج: مجهول و مع: معلوم.

1) (mæn) kitav-I ?oxod-um

۱.م-خواند ح.مف-کتاب من

«(من) کتاب را خواندم.»

2) (sæn) dunan mæn-I gurd-u?

۲.م-دید ح.مف-من دیروز تو

«(تو) دیروز من را دیدی؟»

3) (mæn) san-I gurd-um

۱.م-دید ح.مف-تو (من)

«(من) تو را دیدم.»

همان‌گونه که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، فعل زمان‌دار در مطابقت کامل با فاعل قرار دارد و از همین رو، شناسه‌های متناظر با مشخصه‌های شخص و شمار فاعل بر روی آن نمایان است. در سوی دیگر، فاعل بندهای پیش‌گفته در حالت فاعلی با نمود آوایی صفر قرار دارد. توزیع متفاوت گروه‌های اسمی سبب ظهور حالت‌نماهای متفاوت روی این گروه‌های اسمی می‌شود. فاعل mæn در بند (۱) دارای حالت‌نمای فاعلی (با نمود آوایی صفر) است. در بند (۲) mæn-1 در جایگاه مفعول دارای‌وند حالت‌نمای مفعولی 1- است. به همین ترتیب، فاعل sæn در بند (۲) دارای حالت فاعلی و در بند (۳) sæn-1 دارای حالت مفعولی است.

## ۲-۲- حالت و مطابقت درون گروه اسمی

گروه اسمی در ترکی آذری هسته‌پایان است. صفت، عدد و ضمیر اشاره/کمیت‌نما، در صورت حضور، به ترتیب پیش از هسته اسمی قرار می‌گیرند. برخلاف زبان‌های ایرانی که ساختار گروه اسمی در آن‌ها از الگویی نسبتاً تحلیلی و فاقد تصریف پیروی می‌کند، ترکی آذری غنای تصریفی را به درون حوزه گروه اسمی نیز کشانده است. به‌طور مشخص، در ساخت‌های اضافی که حاوی مالک و مملوک است، ارجاع متقابل مملوک و مالک برقرار است به‌طوری که رابطه مملوک با مالک همچون رفتار فعل با فاعل است. مالک حالت‌نمای ملکی می‌گیرد و در مقابل مملوک با مالک در مشخصه‌های شخص و شمار مطابقت می‌کند، گویی که مالک فاعل است و مملوک فعل:

4) مطابقت-کتاب قدیمی عدد سه آن ملکی-مالک

mæn-ım owu ?uč (dana) qədeme kitav-ım

«آن سه کتاب قدیمی من.»

**sæn-iy(n) owu ʔuč (dana) qædeme kitav-iy(n)**

«آن سه کتاب قدیمی تو»

**ʔuno-y(n) owu ʔuč (dana) qædeme kitav-ı**

«آن سه کتاب قدیمی او»

**biz-ım owu ʔuč (dana) qædeme kitav-ımız**

«آن سه کتاب قدیمی ما»

**siz-iy(n) owu ʔuč (dana) qædeme kitav-ı(n)z**

«آن سه کتاب قدیمی شما»

**ʔular-ı(n) owu ʔuč (dana) qædeme kitaf-ları**

«آن سه کتاب قدیمی آن‌ها»

تنوع صوری در صیغگان (۴) نشان‌دهنده آن است که گروه اسمی در جایگاه مالک حالت ملکی می‌پذیرد که به صورت حالت‌نمای (m/i(n) بر روی مالک تجلی می‌یابد. در مقابل، هسته اسمی *kitav* (کتاب) وندهای تصریفی مطابقه را در هم‌پراشی با مشخصه‌های شخص و شمار مالک می‌پذیرد؛ به عبارت دیگر، در ترکی آذری «مطابقه (هسته) اسم با مالک» در گروه اسمی با مطابقه فعل با فاعل در حوزه بند متناظر است.

## ۲-۳- قلب نحوی

ترکی آذری دارای ترتیب واژه‌های فاعل - مفعول - فعل (SOV) است. با این حال، قلب نحوی در این زبان می‌تواند موجب جابه‌جایی سازه‌ها و قرارگیری آن‌ها در جایگاهی غیر از جایگاه بی‌نشان‌شان باشد. اگرچه حرکت سازه‌ها در نتیجه قلب نحوی می‌تواند به جایگاهی پیش یا پس از جایگاه اصلی آن‌ها باشد، در پژوهش‌های موجود در این زمینه قلب نحوی بیشتر ناظر بر فرایند پیش‌گذاری مفعول مستقیم، غیر مستقیم و فعل به جایگاه ابتدایی جمله است. نمونه‌های زیر، جابه‌جایی‌های ممکن مفعول مستقیم، غیر مستقیم و فعل را نشان می‌دهد:

5) a. Ali kitav-ı Muhsen-a ver-dı

گذشته داد ح. به‌ای - محسن ح. مف - کتاب علی

«علی کتاب را به محسن داد.»

b. kitav-I Ali Muhsen-a ver-dı

c. Muhsen-a Ali kitav-I ver-dı

d. kitav-I Muhsen-a Ali ver-dı

e. ver-dı Ali kitav-ı Muhsen-a

بدیهی است که جابه‌جایی سازه‌ها در نتیجه قلب نحوی بر ساختار اطلاعاتی جمله تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که روابط مبتدایی و کانونی سازه‌های جابه‌جا شده با وضعیت بی‌نشان آن‌ها متفاوت است.

## ۲-۴- پیشینه مطالعات در خصوص ساختمان گروه فعلی

حیدری و روحی (۱۳۹۳) قلب نحوی در زبان ترکی آذری را در قالب برنامه کمینه‌گرایی بررسی کرده‌اند. برای این منظور، ابتدا دیدگاه‌های فوکویی<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) و کورودا<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) مطرح شده که وجود قلب نحوی در زبان ژاپنی را به فقدان هسته‌های نقشی و عدم تطابق بین فاعل و فعل نسبت می‌دهند که باعث می‌شود مشخص‌گر<sup>۳</sup> گروه زمان خالی بماند. در این وضعیت، مفعول می‌تواند ارتقاء یابد و در مشخص‌گر گروه زمان جای بگیرد؛ فاعل نیز در جایگاه اصلی خود، یعنی مشخص‌گر گروه فعلی بیرونی<sup>۴</sup> قرار گیرد.

در مقابل، می‌یاگاوا<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) با ارائه نمونه‌هایی از زبان ترکی، با تکیه بر این تبیین که زبان ترکی دارای آرایش آزاد کلمات است و با وجود مطابقت بین فاعل و فعل، در این زبان، قاعده قلب<sup>۶</sup> نحوی هم اعمال می‌شود، دیدگاه‌های بالا را نقض می‌کند. می‌یاگاوا بر این نکته تأکید می‌کند که مشخصه قوی حرف تعریف باعث می‌شود که فاعل یا در صورت اعمال قاعده قلب نحوی، مفعول به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان حرکت کند، ولی برخلاف ادعای او، حیدری و روحی (۱۳۹۳) با اتخاذ رویکرد مطابقت و مدل کاوش‌گر - هدف<sup>۷</sup> نشان می‌دهند که فاعل و مفعول به ترتیب در مطابقت با عنصر زمان و فعل سبک<sup>۸</sup>، حالت‌های خود را دریافت می‌کنند. برآیند این مطابقت، بازبینی مشخصه‌های غیر قابل تعبیر هسته‌های نقشی (عنصر زمان و فعل سبک) است.

به‌باور حیدری و روحی (همان)، قلب نحوی در فرایند اشتقاق و ازراه همین عملکرد مطابقت (بازبینی مشخصه‌های تأکید و مبتدا) انجام می‌گیرد. مفعول یا عنصر مقلوب دیگری که در کانون توجه قرار گرفته است، به جایگاهی پیش از گروه زمان، یعنی جایگاه تأکید حرکت می‌کند؛ جایگاهی که وجودش را پژوهش‌گرانی همچون ریتزی (۱۹۹۷ و ۲۰۱۷) در زبان‌های دیگر پیشنهاد داده‌اند. این

1. N. Fukui
2. S. Y. Kuroda
3. Specifier
4. vP shell
5. S. Miyagawa
6. Scrambling
7. Probe-goal
8. Light verb



نویسندگان نتیجه می‌گیرند که قلب نحوی در زبان ترکی مبتداسازی<sup>۱</sup> است و عاملی همچون مبتدashedگی یا تأکید باعث می‌شود که عناصر غیر فاعلی به ابتدای جمله ارتقا یابند.

رحیم‌زاده (۱۳۹۰) گروه فعلی در زبان ترکی را براساس پارامتر هسته بررسی کرده و این‌گونه بیان می‌کند که مفعول در گروه فعلی می‌تواند به صورت مقوله‌های گروهی<sup>۲</sup> یا بندهای متممی ظاهر شود. به گفته رحیم‌زاده (۱۳۹۰) جایگاه اصلی این مقوله‌های گروهی به عنوان متمم قبل از فعل است؛ اما اگر تحت تأثیر فرایند قلب نحوی جایگاه پس از فعل را اشغال کنند، در این حالت در قریب به اتفاق موارد، تعبیرهای گفتمانی نشان‌داری از جمله استنباط می‌شود.

در مورد بندهای متممی نیز نکته قابل توجه آن است که این بندها در ژرف‌ساخت به وسیله شکل خاصی از فعل در داخل گروه فعلی ساخته می‌شوند و علت وقوع آن‌ها در جایگاه پس از فعل ناشی از وجود عنصر متمم‌سازی است که از زبان فارسی وارد زبان ترکی امروزی شده است؛ اما با وجود این عنصر متمم‌ساز، تغییری در دستوری بودن یا مفهوم اصلی جمله ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین در زبان آذری گروه فعلی جز در مورد بندهای متممی، در بیشتر موارد، هسته پایانی است؛ همچنین در این پژوهش فرضیه فاعل - درون - گروه فعلی بررسی شده و سازگار بودن این فرضیه با داده‌های آذری نیز نشان داده می‌شود.

با این مقدمات، در دو بخش آتی، ساخت سببی و تعامل آن با مجهول‌سازی در آذری، با هدف فراهم آوردن شواهد تجربی در خصوص ماهیت جایگاه موضوع بیرونی در ساختار رویدادی محمول‌های فعلی بررسی می‌شود.

### ۳- تناوب سببی

ساخت‌های سببی در آذری مشتمل بر واژگانی، ساخت‌واژی و تحلیلی است. همان‌گونه که از یک زبان پیوندی با غنای تصریفی (وندافزایی) انتظار می‌رود، سببی‌سازی ساخت‌واژی زایاترین و پربسامدترین گونه سببی‌سازی در آذری است. سببی‌سازی تحلیلی در واقع بر ایند ترکیب دو بند است که صورت ویژه ندارد، بلکه معنای انباشتی بندها بر سبب دلالت دارد؛ به گونه‌ای که رخداد سبب در بند اول، موجب وقوع رخداد نتیجه در بند دوم می‌شود. در مقابل، سببی‌سازی واژگانی در اطلاق به صورت‌هایی به کار می‌رود که رابطه‌ای مشخص و صوری بین صورت سببی و صورت غیر سببی وجود ندارد.

1. Topicalization
2. Phrasal categories

تعداد جفت‌های سببی واژگانی در زبان آذری بسیار اندک است؛ تا جایی که برخی پژوهش‌های مرتبط با ساخت سببی در آذری از اختصاص طبقه‌ای مجزاً به سببی‌های واژگانی در آذری پرهیز می‌کنند (رزم‌دیده و یلچی، ۱۳۹۸؛ دهقانی، ۱۹۹۶). با این تفاسیر طبقه‌ای که بدنه تجربی و مبنای استدلال و شواهد این پژوهش را شکل می‌دهد، سببی‌های ساخت‌واژی هستند.

سببی‌های ساخت‌واژی یا تصریفی در آذری از افزوده‌شدن وند *-dir* (با واژگونه‌های *-dur*، *-dar/dær* و *-d/-t*) به ریشه فعل غیر سببی پدید می‌آیند؛ بنابراین، از لحاظ تقطیع ساخت‌واژی جهت اشتقاق از صورت غیر سببی ← سببی است؛ به بیان دیگر، از منظر ساخت‌واژی در آذری صورت سببی نشان‌دارتر از صورت غیر سببی است. در جدول (۱) نمونه‌هایی از تناوب سببی ارائه می‌شود:

جدول (۱) سببی‌سازی ساختواژی در آذری

معادل فارسی	صورت ضدسببی	وند سببی‌ساز	صورت سببی	نشان مصدری
شکستن	sin	-dir	sindir	-max
پختن	piš	-dir	pišdir	-max
ترکیدن	batda	-d	batdad	-max
جوشیدن	geinæ	-t	geinæt	-max
منجمدکردن	don	-dar	dondar	-max

ساخت‌های سببی که از فعل‌های غیر سببی ساخت‌واژی مشتق می‌شوند، تک‌بندی هستند. در صورت غیر سببی، کنش‌پذیر تنها موضوع حاضر در ساختار است؛ در صورت سببی، موضوع سبب‌ساز<sup>۱</sup> (مسبب) به ساختار افزوده شده و کنش‌پذیر نقش سبب‌پذیر<sup>۲</sup> به خود می‌گیرد. همان‌گونه که نمونه‌های (۶a و ۷a) نشان می‌دهند، در ساخت ضد سببی، تنها موضوع حاضر در ساختار موضوعی فعل کنش‌پذیر است که به لحاظ توزیع نحوی در جایگاه فاعل قرار دارد. در ساخت سببی متناظر (۶b و ۷b)، با اضافه‌شدن وند سببی به ریشه فعل، موضوع سبب‌ساز (مسبب) به ساختار موضوعی فعل اضافه می‌شود. موضوع سبب‌ساز در جایگاه فاعل و موضوع کنش‌پذیر (سبب‌پذیر) در جایگاه مفعول نمود می‌یابد:

- 6) a. šišæ (ozozinæ) sin-n(d)ı  
گذشته-شکست (خودبه‌خود) شیشه  
«شیشه (خودبه‌خود) شکست.»

1. cause(er)  
2. causee

b. Kambiz šišæ-ni . m-n(d)ir-di

گذشته-سبب-شکست      مف-شیشه      کامبیز

«کامبیز شیشه را شکست.»

7) a. so (ozozinæ) don-n(d)ɪ

گذشته-منجمد.شدن      (خودبه‌خود) آب

«آب (خودبه‌خود) منجمد شد.»

b. Kambiz so-ɪə don-n(d)or-di

گذشته-سبب-منجمد.شدن      مف-آب      کامبیز

«کامبیز آب را منجمد کرد.»

درمقابل فعل‌های سببی ساخت‌واژی مندرج در جدول (۱)، تعدادی از فعل‌های سببی (براساس معیار لوین و راپاپورت<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)) قابلیت شرکت در تناوب سببی را ندارند. درواقع این‌ها، فعل‌های سببی واژگانی هستند؛ در آن تعبیر که برآیند سببی‌سازی تصریفی نیستند. فعل aš-max «بازکردن» یکی از آن فعل‌هاست؛ صورت تصریفی این فعل سببی aš-di «باز کرد» است؛ در حالی که صورت ضد سببی متناظر با این در آذری فعل وجود ندارد. تنها فرایند ناگذر سازی<sup>۲</sup> که منجر به کاهش نقش‌های دستوری در بازنمایی ساختار موضوعی «بازکردن» می‌شود وندافزایی il- به ریشه فعل سببی است؛ صورت حاصل از این وندافزایی ač-il-l(d)ɪ است که به معنی «باز شد» است.

درحقیقت وند یادشده همان وند «مجهول‌ساز» در زبان آذری است. با این تفاسیر، علت عدم شرکت فعلی سببی همچون «بازکردن» در تناوب سببی، واژگانی‌شدگی عنصر سبب است؛ به عبارت دیگر، عنصر سبب در فعل پیش‌گفته قابل شناسایی و تجزیه نحوی - صرفی نیست؛ به همین دلیل اشتقاق صورت ضد سببی از فعل یادشده امکان‌پذیر نیست. درمقابل صورت بدیل، صورت مجهول‌شده فعل «بازکردن» است.

8) a. Kambiz gapi-ni aš-di

گذشته-باز.کردن      مف-در      کامبیز

«کامبیز در را باز کرد»

b. (æmdæn) gapi (\*ozozinæ) ač(š)-il-l(d)ɪ

گذشته-صحیح-باز.کردن      (خودبه‌خود) در      (عمداً)

«در (عمداً) \* خودبه‌خود باز شد.»

نمونه (b ۸) نشان می‌دهد که ساخت مجهول همچنان عنصر سبب را در خود به صورت تلویحی دارد. بدساختی همایندی قید «خودبه‌خود» با صورت مجهول و خوش‌ساختی همایندی قید «عمداً» با صورت مجهول گواهی بر حضور عنصر سبب در ساخت مجهول است.

خوانش نظری مترتب بر نمونه‌های (۸) این است که در ساخت مجهول، اگرچه وند مجهول‌ساز *il-* منجر به کاهش ظرفیت دستوری فعل متعدی و «تنزل<sup>۱</sup> نقش دستوری موضوع مسبب (کنش‌گر)» می‌شود، با این حال عنصر سبب همچنان در ساختار حضور تلویحی دارد؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که حضور یا عدم حضور موضوع بیرونی و بازنمایی آن در ساختار نحوی مجزا و مستقل از عنصر سبب است. در سوی دیگر، اهمیت نقشی ساخت مجهول و وند مجهول‌ساز تغییر «جهت» فعل از متعدی به لازم است. ترکیب این نکات تحلیلی معطوف به این واقعیت است که وند مجهول‌ساز *il-* در واقع تجلی هسته جهت است به این مضمون که با حضور این وند در هسته جهت، موضوع بیرونی (سبب/کنش‌گر) اجازه حضور در ساختار را نمی‌یابد. در سوی دیگر، اگر هسته جهت فاقد این وند باشد، جهت، معلوم خواهد بود و موضوع بیرونی اجازه بازنمایی در ساختار را خواهد یافت.

با این تحلیل، صورت معلوم و مجهول فعل متعدی «هردو» دارای وند جهت در ساختمان ساخت‌وازی خود هستند؛ زیرا وند جهت بازنمایی هسته جهت در ساختار نحوی است و معرفی موضوع بیرونی به آن وابسته است. با این تفاسیر، ساختمان صرفی دو فعل معلوم و مجهول (۸) به صورت (۹) است:

9) a. aš-Ø-d<sub>1</sub> گذشته-مع-باز.کردن

b. ač(š)-il-l(d)<sub>1</sub> گذشته-مع-باز.کردن

براساس اصل آینه<sup>۳</sup> (بیکر، ۱۹۸۵)، چینش وندهای تصریفی بر روی فعل تابعی از توالی ساختاری هسته‌های نحوی است که فعل به آن‌ها ارتقا می‌یابد. به‌طور مشخص، در (۹) دو صورت معلوم و مجهول هردو حاوی وند جهت هستند. جهت معلوم نمود صفر دارد؛ در حالی که جهت مجهول نمود -il دارد.

### 1. demotion

۲. خاطر نشان می‌شود که قائل شدن به چیش ساخت‌وازی وندها در ساختمان فعل به منزله مفروض پنداشتن رویکرد واژه‌گرایی به صرف نیست؛ بلکه مراد از تقطیع ساخت‌وازی ساختمان فعل، دستیابی به اسکلت نقشی ساختار موضوعی بر مبنای اصل آینه (بیکر، ۱۹۸۵) است.

### 3. Mirror Principle

### 4. M. Baker

نتیجه‌گیری اولیه از مبحث پیش‌گفته با نظر زبان‌شناسانی هم‌سو است که به معرفی موضوع بیرونی به‌وسیله هسته جهت معتقدند (کرتزر، ۱۹۹۶ و هارلی، ۲۰۱۳). به اعتقاد این زبان‌شناسان هسته سبب و هسته جهت دو هسته مجزا هستند که می‌توانند هم‌زمان در ساختار حضور داشته باشند. هسته سبب، مفهوم سبب را به ساختار رویدادی می‌افزاید در حالی که هسته جهت، موضوع بیرونی را به رویداد اضافه می‌کند. پولکانن (۲۰۰۸) نیز در تحلیل خود از ساختار رویدادی، تصریح می‌کند که هر موضوع به‌وسیله هسته‌ای خاص به ساختار رویدادی معرفی می‌شود. به‌باور پولکانن (۲۰۰۸)، هسته الحاقی<sup>۱</sup> و هسته جهت دو هسته‌ای هستند که موضوع جدید به ساختار رویدادی محمول‌های فعلی اضافه می‌کنند<sup>۲</sup>. اضافه‌شدن موضوع بیرونی (مسبب) به ساخت سببی به‌همراه وندافزایی جهت به‌طور دقیق از همان سازوکاری پیروی می‌کند که در ساخت الحاقی موجب معرفی موضوعی جدید با افزوده‌شدن وند الحاقی به فعل می‌گردد.

#### ۴- مجهول‌سازی و افعال سببی ساخت‌واژی

با این حال، شاهد اصلی در حمایت از استقلال دو هسته سبب و جهت و معرفی موضوع بیرونی به‌وسیله هسته جهت، مجهول‌سازی فعل‌هایی است که در تناوب سببی شرکت می‌کنند. یادآوری می‌شود که صورت سببی (متعلی) در آذری از افزوده‌شدن وند سببی ساز *dir*- به صورت ضلّ سببی به‌دست می‌آید. حال اگر از صورت سببی فعل، صورت مجهول را مشتق کنیم شاهد همابندی وند سببی ساز *dir*- و وند مجهول‌ساز *il*- خواهیم بود. این همابندی منعکس‌کننده حضور هم‌زمان دو هسته سبب و هسته جهت در اشتقاق ساختار رویدادی این افعال است؛ به بیان دیگر، در ساخت غیر معلوم (مجهول) باوجود حضور هسته سبب در ساخت مجهول، موضوع بیرونی به ساختار نحوی معرفی نمی‌شود.

برآیند نظری این مبحث ناظر بر استقلال و انفکاک دو هسته سبب و جهت از یک‌سو و همبستگی

#### 1. applicative

۲. ساخت الحاقی یا جهت الحاقی، ساختی است که در آن موضوعی گزینش‌نشده در قالب نقش دستوری مفعول به جمله اضافه می‌شود. در زبان‌هایی که از ساخت الحاقی زایا بهره می‌برند، ملحق‌شدن موضوع الحاقی با نمود وند الحاقی بر روی فعل همراه است. موضوع الحاقی غالباً نقش‌های معنایی بهره‌ور و متضرر را می‌پذیرد؛ برای نمونه در جمله «من کیک را برای سیمین پختم.» محمول «پختن» دارای دو موضوع «من» و «کیک» است که در قالب زیرمقوله‌ای فعل مربوطه گزینش شده‌اند؛ اما موضوع «برای» سیمین» موضوع فرعی بر ساختار موضوعی محمول است. این موضوع مشابه موضوع الحاقی در زبان‌های تصریفی دارای ساخت الحاقی است.

حضور موضوع سبب (بیرونی) و هسته جهت، از دیگر سو است. به‌طور مشخص، مقایسه داده‌های معلوم (b ۱۰ و b ۱۱) و مجهول (c ۱۰ و c ۱۱) نشان می‌دهد که حضور موضوع کنش‌گر/ مسبب به حضور وند سببی‌ساز، وابسته نیست؛ بلکه آنچه حضور مسبب (در ساخت معلوم) و عدم حضور آن را (در ساخت مجهول) تعیین می‌کند، نوع وند جهت در ساختمان فعل است. تبیین داده‌های (۱۰-۱۱) تنها با این فرض ممکن است که وند جهت در هر دو فعل معلوم و مجهول وجود دارد. با این تفاوت که جهت معلوم دارای نمود تھی است، ولی جهت مجهول il- است (ر.ک: (۹)).

## 10) a. oğeiri ol-lo(di)

گذشته-مرد دزد

«دزد مُرد.»

## b. Police oğeiri-ni ol-lor(dır)-du

گذشته-سبب-مردن مَف-دزد پلیس

«پلیس دزد را کشت»

## c. æmniyæt-ı hefz eləmax öči(n) oğeiri ol-lor-il-lo(di)

گذشته-مَح-سبب-مردن دزد برای کردن حفظ مَف-امنیت

«برای حفظ امنیت، دزد کشته شد.»

## 11) a. baliğ-lar dön-no-la(r)

ج-۳-گذشته-بیخ‌زدن ج-ماهی

«ماهی‌ها بیخ می‌زنند/ منجمد می‌شوند.»

## b. baliğ-totan-lar baliğ-lar-ı dön-nor-dı-la(r)

ج-۳-گذشته-سبب-بیخ‌زدن مَف-ج-ماهی ج-ماهیگیر

«ماهیگیرها ماهی را منجمد می‌کنند.»

## c. dævam-ı čöxalmax öče(n) baliğ-lar don-nor(dær)-ol-lo-lar

ج-۳-گذشته-مَح-سبب-بیخ‌زدن ج-ماهی برای افزودن مَف-دوام

«برای افزایش دوام، ماهی‌ها منجمد می‌شوند.»

در نمونه (۱۰) مشاهده می‌شود که فعل سببی «کشتن» از فعل ضدّ سببی «مردن» مشتق شده است؛ سپس با حضور در ساخت غیر معلوم، این فعل سببی تغییر جهت داده و وند مجهول‌ساز پذیرفته است. حضور هم‌زمان وند سبب و وند مجهول‌ساز جهت، شاهدی متقن در حمایت از نظریه استقلال دو هسته سبب و جهت و معرفی موضوع بیرونی به وسیله هسته جهت است. به همین شکل، نمونه (۱۱) شاهدی دیگر است که نشان می‌دهد، صورت سببی «منجمد کردن» با افزوده شدن وند سببی‌ساز به صوت

ضد سببی / خودانگیخته «منجمدشدن / یخ‌زدن» به دست می‌آید؛ سپس در خلال فرایند مجهول‌سازی، با افزوده شدن وند مجهول‌ساز به وند سببی‌ساز، موضوع بیرونی از ساختار حذف می‌شود. در نمونه‌های (۱۰ c) و (۱۱ c) دو گروه حرف اضافه‌ای قیدی سبب-محور به جملات اضافه شده‌اند تا شاهدهی در حمایت از حضور عنصر سببی در ساخت غیر معلوم و باهم‌آیی آن با عنصر جهت فراهم آید. پیامد این تحلیل، معرفی موضوع بیرونی توسط هسته جهت به ساختار رویدادی است؛ به بیانی دیگر، تحلیل ارائه‌شده در پژوهش حاضر که مبتنی بر مجهول‌سازی فعل‌های سببی شرکت‌کننده در تناوب سببی است، به روشنی نشان می‌دهد که در بازنمایی ساخت رویدادی، هسته‌های سبب و جهت هر دو در اشتقاق انباشتی ساختار رویدادی حضور دارند؛ و اینکه حضور موضوع بیرونی مستقل از حضور هسته سبب است (الکسیادو و دورون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ وود و مرنتر، ۲۰۱۷ و بین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). جمع‌بندی نتایج حاصل از این تحلیل را می‌توان با بازنمایی نحوی ساختار رویدادی یک محمول سببی که دارای دو موضوع بیرونی و درونی است، به صورت زیر نشان داد:



نمودار (۱) بازنمایی جایگاه ادغام موضوع‌های درونی و بیرونی

براساس داده‌های آذری می‌توان ماتریکس مشخصه‌ای دو گونه هسته جهت را به شکل زیر صورت‌بندی کرد:

(۱۲) الف. جهت  $[uD, +] \leftarrow \emptyset$

ب. جهت  $[(uP), -] \leftarrow 1l$

طبق صورت‌بندی (۱۲)، هسته جهت در آذری دارای دو ارزش مثبت و منفی است. ارزش مثبت هسته جهت نمود آوایی صفر دارد. این هسته تک‌ظرفیتی دارای یک نقش تتای کنش‌پذیر است که به وسیله گروهی با مقوله نحوی تعریف/ اسم اشباع می‌شود. UD (مشخصه تعریف غیر تعبیری) ناظر بر این مشخصه است. چنانچه این هسته در جایگاه جهت قرار گیرد، جمله معلوم و موضوع بیرونی در ساختار حضور خواهد یافت.

در مقابل، هسته جهت می‌تواند ارزش منفی داشته باشد. هسته جهتی که ارزش منفی دارد، در آذری دارای نمود ونی II است. چنانچه این ون در جایگاه هسته جهت ادغام شود، سازه‌ای با مشخصه گروهی حرف اضافه می‌تواند به صورت اختیاری هسته جهت را اشباع نماید. علامت پرائتز در صورت‌بندی (ب) ناظر بر اختیاری بودن موضوع حرف اضافه‌ای است. یکی از مزیت‌های نظری قائل شدن به هسته جهت به مثابه معرف موضوع بیرونی، یک‌دست شدن جایگاه ادغام موضوع بیرونی اسمی در صورت معلوم و ادغام موضوع بیرونی حرف اضافه‌ای (by-phrase) اختیاری در صورت مجهول است. بدیهی است این نوع تبیین با فرضیه یکنواختی تخصیص نقش تتا<sup>۱</sup> هم‌سو است (بیکر، ۱۹۸۸). براساس این فرضیه، روابط تتایی و معنایی مشابه بین عناصر با روابط ساختاری مشابه بین این عناصر (در ژ ساخت) هم‌پسته است. براساس این فرضیه، از آنجاکه موضوع بیرونی در صورت معلوم و گروه حرف اضافه‌ای در صورت مجهول هر دو دارای نقش مشابه کنش‌گر هستند؛ بنابراین انتظار می‌رود که جایگاه ادغام آن‌ها نیز در ساختار یکی باشد. با قائل شدن به فراقنی جهت در ساختار بند می‌توان تحلیلی یک‌دست از جایگاه ادغام کنش‌گر در صورت معلوم و مجهول داد؛ آن‌گونه که در صورت‌بندی (۱۳) مشهود است.

## ۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا ماهیت جایگاه ادغام موضوع بیرونی و هسته معرف آن به ساختار رویدادی مشخص گردد. برای دستیابی به این هدف، ساخت‌های سببی، ضد سببی و مجهول در ترکی آذری شهر سریش آباد بررسی شدند. نخست دو نگاه متفاوت به موضوع بیرونی و هسته معرف آن تشریح گردید. در یک دیدگاه، موضوع بیرونی همان موضوع سبب است که به وسیله هسته فعلی پوسته‌ای/ سببی به ساختار رویدادی معرف می‌شود. در این رویکرد، حضور موضوع سبب منوط به



حضور هسته سبب و برعکس است.

در رویکرد دیگر، هسته سبب هسته‌ای است که ماهیت سببی رویداد را تعیین می‌کند؛ اما معرف موضوع بیرونی به ساختار رویدادی نیست. در واقع در این رویکرد، حضور موضوع بیرونی و هسته سبب دو مقوله مجزا و مستقل از هم هستند. به‌طور مشخص در این رویکرد، هسته جهت معرف موضوع بیرونی به ساختار رویدادی است. به‌منظور تعیین جایگاه ادغام موضوع بیرونی و ماهیت هسته معرف آن، ساخت‌های سببی ساخت‌واژی بررسی شدند. از آنجاکه وندافزایی آشکار در سببی‌سازی ساخت‌واژی در آذری دخیل است، حضور یا عدم حضور وند سبب‌ساز گزارش از حضور یا عدم حضور عنصر سبب در ساختار رویدادی می‌دهد.

به‌طور مشخص، در نوشتار پیش رو نشان داده شد که فعل‌های سببی ساخت‌واژی که حاصل از افزوده‌شدن وند سببی به‌صورت ضلّ سببی هستند، می‌توانند در ساختار مجهول نیز شرکت کنند. صورت فعل سببی در ساخت مجهول نشان می‌دهد که وند سببی‌ساز و وند جهت (مجهول‌ساز) هر دو هم‌زمان بر روی فعل ظاهر می‌شوند. در حالی که در ساخت سببی، وند سببی‌ساز حضور موضوع بیرونی را الزامی می‌کند، در ساخت مجهول باوجود وند سببی‌ساز بر روی فعل، موضوع بیرونی اجازه حضور ندارد؛ بنابراین چیش وند سببی و وند جهت در کنار هم بر روی فعل مجهول نشان‌دهنده استقلال موضوع بیرونی از هسته سببی است. درمقابل، حضور وند جهت‌ساز مجهول با عدم حضور موضوع بیرونی رابطه علی دارد. چنانچه وند جهت‌ساز به‌صورت فعل اضافه شود، موضوع بیرونی از ساختار حذف می‌شود و اگر وند یادشده از صورت فعل حذف گردد، موضوع بیرونی به ساختار ملحق می‌شود. براینده تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر ناظر بر استقلال دو هسته سبب و جهت و معرفی موضوع بیرونی به‌وسیله هسته جهت به ساختار بود.

### منابع

- حیدری عبدالحسین؛ روحی، افسر (۱۳۹۳). قلب نحوی در زبان ترکی آذری براساس مدل کاوش‌گر - هدف برنامه کمیته‌گرایی. جستارهای زبانی، ۵ (۱)، ۲۷-۴۴.
- رحیم‌زاده، لیلا (۱۳۹۰). بررسی گروه فعلی در زبان ترکی براساس پارامتر هسته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه بیرجند.
- رزم‌زاده، پریا؛ یلچی، واحد (۱۳۹۸). بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در ترکی آذری براساس الگوی رده‌شناسی کامری. فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۵ (۳)، ۹۱-۱۱۲.

## References

- Alexiadou, A., & E. Doron (2012). The syntactic construction of two non-active Voices: passive and middle. *Journal of Linguistics* 48, 1-34.
- Baker, M. (1985). The Mirror Principle and morphosyntactic explanation, *Linguistic Inquiry* 16.3, 373-415.
- Baker, M. (1988). *Incorporation: A theory of grammatical function changing*. University of Chicago Press.
- Burzio, L. (1986). *Italian Syntax*. Dordrecht: Reidel.
- Chomsky, N. (1995). *The minimalist program*. Cambridge, Mass: The MIT Press.
- Chomsky, N. (2008). On phases. In Robert Freidin, Carlos P. Otero & Maria Luisa Zubizarreta (eds.), *Foundational issues in linguistic theory: Essays in honor of Jean-Roger Vergnaud*, 133-166. Cambridge, MA: MIT Press.
- Chomsky, N. (2015). Problems of Projection: Extensions. In E. Di Domenico, C. Hamann & S. Matteini (Eds.). *Structures, Strategies and Beyond*, 1-16. Amsterdam: John Benjamins.
- Chomsky, N. (2021). Simplicity and the form of grammars. *Journal of Language Modelling*, 9 (1). <https://doi.org/10.15398/jlm.v9i1.257>.
- Collins, C. (2005). A smuggling approach to the passive in English. *Syntax*, 8 (2), 81-120.
- Cuervo, M., C. (2003). Datives at Large. PhD Dissertation, Cambridge, MA: MIT. (retrieved at <https://dspace.mit.edu/handle/1721.1/7991>).
- Dehghani, Y. (1996). *Causative constructions in Persian and Azeri*. Working Papers in Linguistics, v.6. Melbourne: La Trobe University.
- Fukui, N. (1988). Deriving the differences between English and Japanese: A case study in parametric syntax. *English Linguistics* 5, 249-270.
- Hale, K & S. J. Keyser. (2002). *Prolegomenon to a Theory of Argument Structure*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Hale, K. & S. J. Keyser (1993). On argument structure and the lexical expression of syntactic relations. In: Hale, K., Keyser, S.J. (Eds.), *The View from Building 20* (53-109). MIT Press, Cambridge, MA.
- Harley, H. (2013). External arguments and the Mirror Principle: on the distinctness of Voice and v. *Lingua* 125, 34-57.
- Heidari, A. & A. Rouhi. (2014). Scrambling in Azari-Turkish Based on Probe-Goal Model of Minimalism. *Language Related Research*; 5 (1) :27-44 (In Persian).
- Kratzer, A. (1996). Severing the external argument from its verb. In: Rooryck, J., Zaring, L. (Eds.), *Phrase Structure and the Lexicon* (109-137). Springer, Dordrecht.
- Kuroda, S. Y. (1988). Whether We agree or Not: a Comparative syntax of English and Japanese. *Linguistics Investigations* 12, 1-47.
- Larson, R. (1988). On the double object construction, *Linguistic Inquiry* 19 (3), 335-391.
- Levin, B. & M. Rappaport H. (2005). *Argument Realization*. Cambridge University Press.
- Marantz, A. (1997). No escape from syntax: Don't try morphological analysis in the privacy of your own lexicon. In Alexis Dimitriadis, Laura Siegel, Clarissa Surek-Clark & Alexander Williams (Eds.), *Proceedings of the 21st annual penn linguistics colloquium* (Penn Working Papers in Linguistics 4:2), 201-225. Philadelphia: University of Pennsylvania.

- Miyagawa, S. (2001). The EPP, Scrambling, and Wh-in-situ In M. Kenstowicz. (Ed.). *Ken Hale: A Life in Language*, 293-338. Cambridge, Mass: MIT.
- Nie, Y. (2020). *Licensing arguments*. New York University: PhD dissertation.
- Pylkkänen, L. (2002). *Introducing Arguments*. PhD Dissertation, MIT.
- Pylkkänen, L. (2008). *Introducing Arguments*. MIT Press, Cambridge MA.
- Rahimzadeh, L. (2011). *Verb Phrase in Turkish: An Investigation Based on Head Parameter*. MA Thesis, University of Birjand (In Persian).
- Razmdideh, P. & V. Yalchi. (2019). Typological Study of Causative Constructions in Azeri-Turkish based on Comrie's Typological Model". *Journal of Iranian Regional Languages and Literature*, 9 (3), 91-111 (In Persian).
- Rouhi A., & Heidari, A. (2015). Light verb Constructions in Azeri-Turkish/Persian Code-switching based on the Matrix Language Frame Model. *Language Related Research*, 6 (1), 111-129 (In Persian).

